

بررسی مرجع ضمیر (ه) در «لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» و نقش آن در

تعیین مراد خدا در تفاسیر شیعی

سید عبدالقائم تهامی پور^۱

چکیده

خداوند در آیاتی از قرآن به بعثت پیامبر اسلام ﷺ، همراهی هدایت و دین حق با ایشان، هدف از این امر و ناخشنودی مشرکان از تحقق وعده الهی، اشاره می‌کند. موضوعات و مسائل تفسیری متعددی پیرامون این آیات که به آیات اِظهار معروفند، در آثار تفسیری شیعه مطرح می‌شود. از جمله مباحث شایسته تحلیل و بررسی درباره آیات اِظهار، تعیین مرجع ضمیر مفعولی (ه) در «لِيُظْهَرَهُ» است. اندیشمندان اسلامی همواره از سده‌های نخستین در کتاب‌های تفسیری خود به بحث و نظر درباره آن پرداخته‌اند. با توجه به اهمیت این موضوع در تعیین مراد خداوند متعال، پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی، دیدگاه‌های مختلف مفسران شیعی را در منابع تفسیری، تبیین کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سه دیدگاه در بین مفسران شیعی در این زمینه وجود دارد: مرجع ضمیر در اغلب تفاسیر، دین حق و در شمار اندکی از تفاسیر، «الرسول» ذکر شده است. برخی از مفسران نیز هر دو احتمال یعنی بازگشت ضمیر به دین حق یا رسول را مطرح کرده‌اند.

واژگان کلیدی: آیات اِظهار، دین حق، مرجع ضمیر، تفسیر، شیعی

قرآن کریم، مهمترین منبع در دین اسلام و بهترین راهنمای انسان‌ها در دریافت و فهم تعالیم الهی به حساب می‌آید. تعمق و تدبر در آیات قرآن و بررسی ابعاد و زوایای گوناگون آن، همواره در تاریخ اسلام، سیره و روش دیرینه علمای اسلامی بوده است. پویایی، رشد و توسعه مفاهیم و اندیشه‌های قرآن در گذر زمان، در پرتو تفسیر و تبیین آیات قرآن محقق می‌شود. از این رو، اندیشمندان شیعی نقش بسزایی در علم تفسیر قرآن داشته و مفسران بزرگی در این عرصه به تلاش و کوشش پرداخته‌اند. در میان کتب تفسیری، تفاسیر شیعی، جایگاه ارزشمندی در میراث اسلامی داشته و مفسران امامیه آثار گرانبهایی را از خود به یادگار گذاشته‌اند.

از جمله آیات قرآن که در زمینه بعثت نبی خاتم صلی الله علیه و آله و گسترش و غلبه دین اسلام، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده، آیات «إِظْهَار» است. «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ* هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱ آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند* او کسی است که پیامبرش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود باشند.

این آیه در سوره صف آیه ۹ و با کمی اختلاف در آیه ۲۸ سوره فتح نیز بیان شده است. یکی از جنبه‌های اهمیت این آیات در بین مفسران به خصوص قرآن‌پژوهان شیعی، می‌توان پیشگویی خداوند متعال از پیروزی اسلام و غلبه آن بر همه ادیان در آینده دانست. بسیاری از روایات شیعی که ذیل این آیه نقل شده است، تحقق این وعده الهی را در زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه عنوان می‌کنند. از این رو آیه إظهار، به عنوان یکی از آیات مهدوی شمرده شده و به دلیل ارتباط با فرجام تاریخ و پیوند آن با جامعه آرمانی اسلامی، اهمیت دوجندانی پیدا کرده است.

پیرامون آیه اظهار، مباحث متعددی مانند چگونگی تحقق وعده خداوند، زمان آن، گستره دین اسلام و ماهیت دین حق، در میان مفسرین و اندیشمندان اسلامی مطرح شده است. یکی از موضوعات مربوط به این آیه، مرجع ضمیر (ه) در «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» می باشد که دیدگاه های متفاوتی درباره آن در بین مفسران دیده می شود. اختلاف نظر مفسران در مرجع این ضمیر، سبب برداشت های متفاوتی از معنای آیه شده که هر کدام از آن ها چالش ها و پیچیدگی های تفسیری خاصی را به همراه دارد. بنابراین تحلیل و بررسی نظرات مفسران شیعی در خصوص مرجع ضمیر (ه) در آیه اظهار، می تواند تحولات و سیر تطور دیدگاه های مفسران شیعه را روشن سازد و در نتیجه نقش بسیار مهمی در فهم دقیق و عمیق آیه و تعیین مراد خداوند داشته باشد. چه بسا تفاوت در معنای این ضمیر، سبب برداشت های مختلف در سایر مسائل مربوط به این آیه شود. برای نمونه انحصار مضمون آیه در خصوص زمان نزول یا استمرار آن بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، می تواند از پیامدهای اختلاف در مرجع این ضمیر باشد.

برخی آثار و نوشته ها، مطالب ارزشمند و مفیدی را درباره آیات اظهار بیان کرده و به اجمال از مرجع ضمیر مذکور سخن به میان آورده اند. برای نمونه کتاب «تفسیر تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی علیه السلام در دیدگاه فریقین» از فتح الله نجارزادگان، مقاله «بررسی تطبیقی تفسیر آیات اظهار دین و مهدویت از منظر شیعه و اباضیه» از زینب السادات حسینی و حجت علی نژاد و مقاله «اندیشه حکومت جهانی در آیات «اظهار و غلبه» از منظر مفسران فریقین» نوشته حسین علوی مهر و شبیر فصیحی، ضمن مقایسه دیدگاه های تفسیری شیعه و اهل سنت، به مرجع ضمیر (ه) در منابع تفسیری اندکی از شیعه و اهل سنت اشاره کرده اند. پژوهش حاضر تلاش می کند با تمرکز بر بررسی مرجع ضمیر (ه) در تفاسیر شیعه، به فحص جامع و کاملی در این باره در تفاسیر موجود شیعه بپردازد. تحقیق پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اطلاعات کتابخانه ای و اسناد نوشتاری، عهده دار بررسی و تحلیل داده ها است. در پژوهش حاضر، تفاسیر شیعه به چهار دوره تقسیم و منابع و آثار تفسیری هر دوره در زمینه

مرجع ضمیر (ه) در آیات إظهار دین، تحلیل و ارزیابی می‌شود. دوره اول، آثار پنج قرن نخست هجری را در بر می‌گیرد که به دلیل نزدیکی به عصر معصوم و بهره‌مندی بیشتر از روایات و همچنین تأثیرگذاری تفاسیر این دوره بر دوره‌های بعدی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دوره دوم، کتاب‌های تفسیری سده‌های ششم تا هشتم که ظاهراً کمترین کتب تفسیری را به خود اختصاص داده است، مورد توجه قرار می‌گیرد. دوره سوم، منابع تفسیری قرن‌های دهم تا دوازدهم هجری بررسی شده که این دوره، مصادف با حکومت صفویان بوده و تفاسیر بیشتری در قیاس با دوره‌های قبلی به این مسئله پرداخته‌اند. سرانجام، دوره چهارم، قرن سیزده هجری تا عصر حاضر است که در این مدت، بیش از پنجاه کتب تفسیری، آیات إظهار دین را تبیین کرده‌اند. ناگفته نماند آماری که از تعداد کتب تفسیری در هر دوره ارائه می‌شود، بر اساس منابعی است که در آن‌ها مباحثی را در خصوص آیات مذکور بیان کرده‌اند و آلا در هر دوره ممکن است تفاسیر بیشتری وجود داشته باشد که به این مسئله اشاره نکرده باشند.

مفهوم‌شناسی واژگان

۱. یابی: فعل مضارع از مصدر «الإبَاء» به معنای شدت امتناع است. هر ابائی امتناع است اما هر امتناعی اباء نیست.^۱
۲. یتّم: تمام چیزی، رسیدن آن به حدی که نیاز به چیزی بیرون از خود ندارد.^۲ بنابراین «والله متمّ نوره» یعنی خداوند اراده کرده است که این نور الهی را چنان گسترده و کامل سازد تا همه جهان را فرا گیرد و تمام جهانیان از پرتو آن بهره گیرند.^۳
۳. هدی: یعنی حجت‌ها، بیّنه‌ها و نیز بیان هر چیزی که عمل به آن، به بهشت می‌انجامد.^۴

۱. راغب اصفهانی، مفردات الالفاظ القرآن، ص ۵۸.

۲. همان، ص ۱۶۸.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۶۸.

۴. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۰۹.

علامه طباطبایی هدی را به معنای هدایت الاهی می‌داند که خداوند رسول خود را با آن مقارن و همراه داشت.^۱

۴. دین الحق: همه مفسران اتفاق نظر دارند که دین حق همان اسلام است. اسلام را دین حق می‌نامند چون مشتمل بر عقاید و احکامی است که منطبق بر واقع و حق است.^۲

۵. لیظهره: راغب سه معنا برای «ظهر» ذکر می‌کند: غلبه و چیره شدن مثل «إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْنَا مَنِ الْغَابِرُ» (کهف: ۲۰)، معاونت و مدد رساندن مانند «وَمَا ظَهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ» (الممتحنه: ۹) و ابراز کردن و نمایان ساختن مانند «مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ» (اعراف: ۳۳)^۳

دوره اول: قرن اول تا پنجم هجری

در این دوره، هر چند روایاتی از معصومین علیهم‌السلام درباره برخی آیات قرآن در منابع روایی وجود دارد، ولی هیچ نوشته یا اثر تفسیری مستقلی از سده اول هجری باقی نمانده است. در قرن دوم، سه کتاب تفسیری به نام‌های «تفسیر مقاتل بن سلیمان»، «صحیفه علی بن ابی طلحه عن ابن عباس» و «تفسیر الضحاک» وجود دارد که درباره آیات اظهار مطالبی را نقل کرده‌اند. در تفسیر مقاتل بن سلیمان، دین حق به دلیل بطلان ادیان دیگر، دین اسلام عنوان شده و ضمیر (ه) در «لیظهره علی الدین کله...» به آن بر می‌گردد و معنای آیه، غلبه دین اسلام بر ادیان دیگر و اهل آن‌ها است.^۴ در صحیفه علی بن ابی طلحه، مرجع ضمیر، «رسول» نوشته شده و معنای آیه این است که خداوند پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به همه ادیان آگاه ساخت تا هیچ امری از آن‌ها بر ایشان پوشیده نماند.^۵ ضحاک ذیل آیه ۳۳ سوره توبه می‌نویسد: ذلک عند نزول عیسی ابن مریم علیه

۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۴۷.

۲. همان.

۳. راغب اصفهانی، مفردات الالفاظ القرآن، ص ۵۴۱.

۴. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۱۶۸.

۵. ابن ابی طلحه هاشمی، صحیفه علی بن ابی طلحه عن ابن عباس فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۶۳.

السلام لا یبقی اهل دین الا دخل فی الإسلام.^۱ در این تفسیر، نویسنده هر چند به صراحت از مرجع ضمیر نامی نبرده، ولی به غلبه دین اسلام بر سایر ادیان اشاره کرده که در زمان نزول حضرت عیسی (ع) اتفاق خواهد افتاد.

در بین تفاسیر قرن سوم، تنها تفسیر قمی به نقل از علی بن ابراهیم، از تأویل آیه ۳۳ سوره توبه، سخن به میان آورده و آن را مربوط به زمان ظهور حضرت مهدی (ع) قلمداد می‌کند.^۲ علی بن ابراهیم ذیل آیه ۲۸ سوره فتح می‌نویسد: مراد از دین حق، امام است که خداوند آن را ظاهر می‌کند و زمین را پر از قسط و عدل می‌نماید همچنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد و آنچه که ما ذکر کردیم تأویل بعد از تنزیل است.^۳ ظاهراً تأویل ذکر شده درباره آیات إظهار، از خود علی بن ابراهیم قمی است. به نظر می‌رسد که علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود، برتری اسلام بر سایر ادیان را در زمان ظهور امام عصر (ع) می‌داند.

در تفسیر عیاشی از جمله تفاسیر قرن چهارم، سه روایت در زمینه آیه إظهار نقل شده است. دو روایت از امام باقر (ع)، که اولین آن‌ها از اقرار همگان به رسالت پیامبر اکرم (ص) سخن می‌گوید و در روایت دیگر چنین آمده است: «لِيُظْهِرَهُ اللَّهُ فِي الرَّجْعَةِ». روایت سوم از امام صادق (ع) و درباره ناخوشایندی مشرکان نسبت به خروج امام مهدی (ع) است.^۴ به نظر می‌رسد غیر از حدیث دوم که تأویل آیه است نه تفسیر و در آن ضمیر مفعولی در «لیظهره» به رسول برگردانده شده، دو روایت دیگر به طور کلی تحقق برتری دین اسلام را به زمان ظهور امام عصر (ع) تفسیر کردند. تفسیر دیگر قرن چهارم، تفسیر فرات کوفی است که ذیل آیه ۹ سوره صف، روایتی از امام صادق (ع) نقل کرده است. این روایت، شبیه روایت سوم تفسیر عیاشی درباره ناخوشایندی

۱. ضحاک بن مزاحم، تفسیر الضحاک، ج ۱، ص ۴۰۴.

۲. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۶۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۱۷.

۴. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۸۷.

مشرکان و کافران از خروج امام مهدی علیه السلام است.^۱

یکی از تفاسیر به جا مانده از قرن پنجم هجری، التبیان شیخ طوسی است. وی در خصوص اظهار دین می نویسد: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...» به معنای برتری دین اسلام بر همه ادیان با حاکمیت و قهر و غلبه است. همانگونه که روشن است ایشان مرجع ضمیر مفعولی را دین اسلام دانسته و البته قول ابن عباس را نیز در مورد برگشت مرجع ضمیر به رسول، نقل کرده است. بنا به نظر ابن عباس معنای آیه چنین است: تا آنکه خداوند همه ادیان را به پیامبرش بیاموزد تا هیچ امری از آن‌ها، بر پیامبر پنهان نماند.^۲ شیخ طوسی، سیطره دین حق را از اواخر عصر رسالت محقق دانسته و عصر ظهور را یکی از مصادیق آن به شمار می آورد.^۳

از میان تفاسیر بررسی شده در دوره اول، فقط تفسیر علی بن ابی طلحه که از ابن عباس نقل شده، مرجع ضمیر مفعولی «لیظهره» را به رسول برگردانده و به آگاهی پیامبر از همه ادیان معنا کرده است. علی بن ابراهیم در تفسیر قمی، زمان تحقق اراده الهی را عصر ظهور می داند و در ضمن بیان تأویل آیات اظهار، دین حق را امام معرفی می کند که توسط خداوند ظاهر می شود. در سایر کتب تفسیری این دوره، یا مانند تفسیر التبیان، به صراحت مرجع ضمیر را دین اسلام دانسته اند یا نسبت به این مسئله ساکت بوده و تحقق اراده حق تعالی را در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام می دانند. منابعی که مرجع ضمیر را دین حق در نظر گرفتند، اظهار را به برتری دین اسلام بر ادیان دیگر یا اهل آن‌ها معنا کردند. در متون تفسیری این دوره به دلیل توجه بیشتر به روایات اهل بیت علیهم السلام، احادیث تفسیری از بسامد بیشتری برخوردار هستند.

دوره دوم: قرن ششم تا هشتم هجری

مجمع البیان طبرسی از تفاسیر قرن ششم هجری، پیرامون آیات اظهار می نویسد: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى

۱. کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۴۸۱.

۲. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۰۹.

۳. نجارزادگان، بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی علیه السلام، ص ۴۶.

اَلَّذِيْنَ كُفِّلَهُ یعنی تا دین اسلام را بوسیله حجت و غلبه بر تمام ادیان پیروز گرداند به گونه‌ای که در روی زمین، دینی به جای نماند جز آنکه مغلوب حجت اسلام گردد، و کسی نباشد که در حجت و برهان بر مسلمانان پیروز گردد، و اما از نظر غلبه ظاهری نیز چنان شد که هر دسته از مسلمانان بر ناحیه‌ای از نواحی مشرکان پیروز شدند و کفار به نوعی مقهور آنان گشتند.^۱ طبرسی مرجع ضمیر را دین حق می‌داند و بر این اساس روایات مربوط به پیروزی دین اسلام و فراگیری آن را به ویژه در دوران ظهور نقل می‌کند. از عبارت طبرسی بر می‌آید که سیطره دین حق، حداقل از جهت غلبه ظاهری تا حدی به وقوع پیوسته است. طبرسی در تفسیر جوامع الجامع، ضمیر مفعولی «لِيُظْهِرَهُ» را در آیات ۲۸ سوره فتح و ۹ سوره صف، به دین اسلام، معنا کرده است و تحقق کامل برتری اسلام در زمان ظهور را به صورت یک قول مطرح می‌کند.^۲ وی در تفسیر آیه ۳۳ سوره توبه می‌نویسد: «لِيُظْهِرَهُ اَي لِيُظْهِرَ الرَّسُولَ عَلَى اَهْلِ الْاَدْيَانِ كُلِّهِمْ، اَوْ لِيُظْهِرَ دِينَ الْحَقِّ عَلَى كُلِّ دِينٍ».^۳

ابوالفتوح رازی در تفسیر روض الجنان و روح الجنان، در خصوص آیه ۳۳ توبه، به نقل اقوال مختلف درباره ضمیر مفعولی «لِيُظْهِرَهُ» پرداخته و روایات سیطره دین اسلام در زمان ظهور را نقل می‌کند.^۴ اما وی در آیه ۲۸ سوره فتح، مرجع ضمیر مورد بحث را دین حق دانسته^۵ و در آیه ۹ سوره صف برای اظهار، دو معنی بیان می‌کند: یکی ظاهر کردن و دیگری ظفر دادن. ابوالفتوح رازی در ادامه به اراده هر دو معنا و عدم تنافی بین آن‌ها اشاره می‌کند.^۶ تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، یکی از تفاسیر سده هفتم هجری، در معنای «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۴۶ و ج ۶، ص ۳۰۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۰.

۴. ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۲۶.

۵. همان، ج ۱۷، ص ۳۶۴.

۶. همان، ج ۱۹، ص ۱۸۵.

کُلَّه» می نویسد: «یجعل شریعتہ ناسخۃ لجميع الشرائع»^۱ ظاهراً نویسنده، ضمیر را، دین اسلام در نظر گرفته و بر این اساس، اظهار را به معنای نسخ شرائع دیگر توسط دین اسلام می داند. «جلاء الإذهان و جلاء الأحزان فی تفسیر القرآن» یکی از کتب تفسیری قرن هشتم، ضمیر مذکور را به دین حق تفسیر کرده و به نقل اقوال مختلف از جمله تحقق این وعده در زمان ظهور، اشاره کرده است.^۲

در دوره دوم، پنج کتاب تفسیری شیعی در زمینه مرجع ضمیر مفعولی (ه) در آیات اظهار، مورد بررسی قرار گرفت. در این دوره غالباً ضمیر مفعولی در آیات اظهار به دین حق و در نتیجه «لیظهره» هم به معنای برتری و غلبه دین اسلام آمده است. برخی از مفسران، دو معنای ظاهر کردن و ظفر دادن را برای اظهار در نظر گرفتند. تنها در تفسیر جوامع الجامع ذیل آیه ۳۳ سوره توبه، این ضمیر به صورت احتمالی به هر دو مورد یعنی برگشت ضمیر به رسول و دین حق تفسیر شده و همچنین در تفسیر نهج البیان، اظهار دین به معنای نسخ ادیان دیگر توسط دین اسلام، ذکر شده است. در مجمع البیان طبرسی، برتری دین اسلام هم از جهت حجت و منطق و هم از جنبه غلبه ظاهری و قهری، بیان شده است.

دوره سوم: قرن های دهم تا دوازدهم هجری

دو کتاب «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» و «زبدة التفاسیر»، از تفاسیر قرن دهم هجری، نوشته ملافتح الله کاشانی است. ایشان در منهج الصادقین می نویسد: وَ دینِ الْحَقِّ، دین درست، اسلام است لِيُظْهِرَهُ تا ظاهر سازد و غالب گرداند دین خود را عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ بر همه دینها و جمیع احکام آن را منسوخ سازد و این، بعد از نزول عیسی و خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه خواهد بود که بر روی زمین جز دین اسلام نماند وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. کاشانی قول ابن عباس را نیز که ضمیر را به رسول بر می گرداند نقل کرده ولی قول اول را اشتهر و اکثر، می داند.^۳ وی ذیل آیه ۲۸ فتح از کیفیت غلبه

۱. شیبانی، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، ج ۵، ص ۱۸۱.

۲. جرجانی، جلاء الإذهان و جلاء الأحزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۶۰.

۳. کاشانی، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۴، ص ۲۶۰.

دین اسلام سخن گفته و آن را با حجت و برهان یا تسلط مسلمانان بر سایر اهل ادیان محسوب می‌کند.^۱ در زبدة التفاسیر، هر دو احتمال برگشت ضمیر به رسول و دین حق ذکر شده است.^۲

تفسیر «الصادی» از تفاسیر قرن یازدهم، نوشته ملا محسن فیض کاشانی، دین حق را مرجع ضمیر دانسته است.^۳ غلبه اسلام بر ادیان دیگر با نسخ آن‌ها و سپس تسلط مسلمانان بر اهل ادیان دیگر روی می‌دهد.^۴ تفسیر شریف لاهیجی (از دیگر کتب تفسیری قرن چهارم) نیز مرجع ضمیر را دین حق عنوان کرده و روایات مربوط به وقوع وعده الاهی در زمان ظهور را نقل کرده است.^۵ لاهیجی، در خصوص آیه إظهار در سوره صف می‌نویسد: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ تَا غَالِب سآزَد خدای تعالی این دین حق را بر همه ادیان و ملل و این غالبیت بسبب ظهور قائم آل محمد ﷺ صورت خواهد یافت وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ و اگر چه مکروه می‌دارند این غالبیت را مشرکان.^۶

«سواطع الألهام فی تفسیر کلام الملك العلام» به پیروزی دین حق به دلیل برتری اسلام بر سایر ادیان یا بازگشت رسول خدا ﷺ اشاره می‌کند.^۷ ظاهراً در این تفسیر یکی از وجوه غلبه اسلام بر ادیان دیگر، رجعت پیامبر اکرم ﷺ بیان شده است.

تفسیر «نور الثقلین» از جمله تفاسیر مأثور اهل بیت ، ذیل آیات إظهار به نقل روایاتی که پیروزی و برتری اسلام را در زمان ظهور امام عصر  می‌داند، بسنده کرده است.^۸ به نظر می‌رسد در این احادیث، مرجع ضمیر به دین حق نسبت داده شده است و غلبه دین حق با ظهور حضرت مهدی  محقق خواهد شد. «البرهان فی تفسیر القرآن» نیز صرفاً روایات پیرامون این آیه را نقل

۱. همان، ج ۸، ۳۸۶.

۲. کاشانی، زبدة التفاسیر، ج ۳، ص ۱۰۴.

۳. فیض کاشانی، تفسیر الصادی، ج ۲، ص ۳۳۸.

۴. همان، ج ۵، ص ۴۵.

۵. اشکوری، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۲۵۴.

۶. همان، ج ۴، ص ۴۶۴.

۷. فیضی، سواطع الألهام فی تفسیر کلام الملك العلام، ج ۲، ص ۴۴۳.

۸. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۲.

کرده است.^۱ میرزا محمد مشهدی در «کنز الدقائق و بحر الغرائب» هر دو احتمال برگشت ضمیر به دین حق و رسول را ذکر کرده و به نقل روایات در خصوص این آیات می‌پردازد. وی غلبه اسلام را با نسخ ادیان دیگر یا پیروزی بر اهل سایر ادیان و خواری آن‌ها می‌داند.^۲ «الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز» نیز مانند تفسیر کنز الدقائق، هر دو احتمال را ذکر کرده است.^۳ با وجود این، در این تفسیر ذیل آیه ۲۸ سوره فتح، ضمیر مذکور به دین حق برگردانده شده است.^۴ نویسندگان تفسیر «عقود المرجان» و «تفسیر المعین» نیز مرجع ضمیر را دین حق، بیان کردند.^۵

در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری، یازده کتاب تفسیری راجع به مرجع ضمیر مذکور، مورد ارزیابی قرار گرفت. از میان این تفاسیر، کتاب‌های «نور الثقلین» و «البرهان»، با توجه به روایی بودن آن‌ها و همچنین تفسیر «کنز الدقائق و بحر الغرائب» و «الصادق» صرفاً به نقل روایات پرداختند. شش کتب تفسیری، مرجع ضمیر را دین حق، دو اثر تفسیری دیگر، هر دو احتمال (دین حق و رسول) را بیان کرده‌اند. تفسیر الوجیز در سوره توبه، هر دو احتمال را نقل کرده و در سوره فتح، مرجع ضمیر را به دین حق برگردانده است. اکثر متون تفسیری، اظهار را به معنای برتری دین اسلام بر سایر ادیان یا بر اهل ادیان دیگر و برخی از تفاسیر دو معنای ظاهر کردن و غلبه دین اسلام را برای اظهار در نظر گرفتند.

دوره چهارم: قرن سیزدهم هجری تا عصر حاضر

دو کتاب تفسیری شیعی از قرن سیزدهم هجری در دسترس است که درباره مرجع ضمیر مفعولی «لیظهره» در آیات اظهار، مطالبی را بیان کردند. سید عبدالله شبر در کتاب «الجواهر الثمین

۱. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۷۰.

۲. قمی، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۵، ص ۴۴۶.

۳. ابن ابی جامع، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، ج ۲، ص ۱۵.

۴. همان، ج ۳، ص ۲۲۲.

۵. جزایری، عقود المرجان، ج ۲، ص ۳۰۴؛ کاشانی، تفسیر المعین، ج ۱، ص ۴۸۰.

فی تفسیر الکتاب المبین»، مرجع ضمیر را به دین حق برگردانده و لیظهره را به معنای برتری دین اسلام بر سایر ادیان دانسته است. برتری و پیروزی اسلام یا با نسخ سایر ادیان توسط اسلام یا با پیروزی دین اسلام بر اهل ادیان دیگر با حجت و برهان و غلبه و خواری آن‌ها حاصل می‌شود.^۱ نظیر همین مطلب در کتاب دیگر شبر با عنوان «تفسیر القرآن الکریم» دیده می‌شود.^۲ در این دو تفسیر روایاتی نیز نقل شده که از برتری اسلام بر سایر ادیان در زمان ظهور امام عصر علیه السلام خبر می‌دهند.

در میان کتب تفسیری قرن چهاردهم، بیش از ده اثر در خصوص مسئله مورد نظر، به بحث و نظر پرداخته‌اند. تفاسیری مانند «بیان السعاده فی مقامات العباد»، «التفسیر الکاشف»، «مقتنیات الدرر و متقطات الثمر»، «حجه التفاسیر و بلاغ الإکسیر»، «تفسیر اثنی عشری» «تفسیر خسروی»، «التفسیر المبین»، «خلاصه البیان فی تفسیر القرآن» و «القرآن و العقل» ضمیر مذکور را به دین حق برگردانده یا از برتری دین اسلام بر سایر ادیان سخن به میان آورده‌اند. برخی از تفاسیر مانند «تفسیر عاملی» به نقل اقوال مختلف درباره مرجع ضمیر و معنای آیه پرداخته‌اند.^۳ تنها در تفسیر «ست سور من القرآن الکریم» هر دو احتمال (دین حق و رسول) را در تفسیر آیه ۲۸ سوره فتح ذکر کرده است. المراد بإظهاره صَلَّى الله علیه و آله أو إظهار دینه علی الاحتمالین فی مرجع الضمیر المنصوب جعله غالباً علی سائر الأديان؛ بحيث لا یبقی أحد إلا و هو مؤمن به، متدین بدینه.^۴

با افزایش چشمگیر آثار تفسیری در قرن پانزدهم، نظرات مفسرین نیز درباره مرجع ضمیر (ه) در آیات اظهار از بسامد بیشتری برخوردار است. برخی از این تفاسیر به صراحت، مرجع ضمیر مذکور را دین حق دانسته و تعدادی از آن‌ها بدون اشاره به مرجع ضمیر، از برتری و غلبه دین

۱. شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ج ۳، ص ۷۰.

۲. همو، تفسیر القرآن الکریم، ص ۲۰۳.

۳. عاملی، تفسیر عاملی، ج ۴، ص ۳۸۳.

۴. کاشانی، ست سور من القرآن الکریم، ص ۱۹۵.

اسلام بر سایر ادیان سخن گفته‌اند. چرایی برگشت ضمیر به دین حق، در شمار اندکی از تفاسیر این دوره دیده می‌شود. مؤلف تفسیر المیزان در این باره می‌نویسد: «والمعنى أن الله هو الذى أرسل رسوله وهو محمد ص مع الهداية - أو الآيات و البينات - و دین فطرى لیظهر و ینصر دینه الذى هو دین الحق على کل الأديان و لو کره المشركون ذلك. و بذلك ظهر أن الضمير فى قوله: «لِيُظْهِرَهُ» راجع إلى دین الحق كما هو المتبادر من السياق، و ربما قيل: إن الضمير راجع إلى الرسول، و المعنى لیظهر رسوله و یعلمه معالم الدین کلها و هو بعید. خدا آن کسی است که رسول خود محمد ﷺ را با هدایت - و یا با آیات و معجزات - و با دینی فطری فرستاد تا آن را بر سایر ادیان غلبه دهد؛ هر چند مشرکان ناراحت شوند. از این معنا به خوبی پیدا است که ضمیر در «لیظهره» به دین حق بر می‌گردد و متبادر از سیاق آیه هم همین است، پس این احتمال که ضمیر مذکور به رسول برگردد و معنای آیه این باشد: تا وی را بر دشمنان غلبه دهد، و همه معالم دین را به وی بیاموزد، احتمال بعیدی است.^۱ بعضی از مفسران به دلیل نزدیک‌تر بودن کلمه «الدین» به این ضمیر، مرجع آن را دین حق می‌دانند.^۲ علت دیگری که در برخی تفاسیر برای برگشت ضمیر به دین حق ذکر شده، ظهور آیات است.^۳

بسیاری از تفاسیر قرن پانزدهم، علاوه بر تبیینی که از آیات إظهار ارائه داده‌اند، روایاتی را نیز نقل کرده که تحقق وعده الهی را در زمان ظهور امام عصر ﷺ معرفی می‌کنند. به نظر می‌رسد شماری از مفسران با رویکرد روایی به تفسیر این آیات پرداخته و فقط به نقل احادیث بسنده کرده‌اند. یکی از کتب تفسیری، روایتی را به نقل از کتاب «مختصر البصائر» بیان کرده که از رجعت رسول خدا ﷺ و حکومت ایشان بر تمام دنیا خبر می‌دهد و ظاهراً استفاده چنین معنایی بر

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۲۴۷.

۲. نجفی، تفسیر آسان، ج ۶، ص ۲۴۹.

۳. نقوی قاینی، ضیاء القرآن فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۹۷.

اساس برگشت ضمیر به رسول است.^۱ در مطالعه آثار تفسیری این دوره، بیش از پنجاه کتاب تفسیری در خصوص آیات اظهار، مشاهده و مورد ارزیابی قرار گرفت. اکثر تفاسیر این دوره نیز مانند دوره‌های پیشین، از پیروزی دین اسلام بر ادیان دیگر خبر داده‌اند.

نتیجه‌گیری

بررسی آثار مکتوب در بین تفاسیر شیعی، حاکی از این است که در خصوص مرجع ضمیر در «لیظهره»، سه دیدگاه در میان مفسران وجود دارد:

۱. در تمام دوره‌های چهارگانه نامبرده، در اغلب تفاسیر، مرجع ضمیر، دین حق ذکر شده است.
۲. به نظر می‌رسد تنها موردی که به طور مشخص، مرجع ضمیر را «الرسول» عنوان کرده و بر این اساس آیه را به آگاهی پیامبر اکرم ﷺ از ادیان دیگر معنا کرده، تفسیر قرن دومی علی بن ابی طلحه از ابن عباس است.

۳. شمار اندکی از مفسران که بیشتر در دوره‌های دوم و سوم حضور دارند، هر دو احتمال یعنی بازگشت ضمیر به دین حق و رسول را مطرح کرده‌اند. اگر آثاری که به تأویل آیات اظهار پرداخته‌اند را در نظر بگیریم، دیدگاه چهارم نیز قابل برداشت است و آن هم برگشت ضمیر به «امام» است. این دیدگاه در میان آثار روایی دوره اول مانند تفسیر علی بن ابراهیم قمی دیده می‌شود. تفاسیری هم وجود دارند که تنها به نقل اقوال مختلف اکتفا کرده و هیچ نظری از خود ارائه نداده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد بسیاری از مفسران، تنها به دلیل نقل قول ابن عباس مبنی بر برگشت مرجع ضمیر به «الرسول»، این احتمال را نیز مطرح کرده‌اند و الا با توجه به ظاهر آیه و سیاق آن، برگشت ضمیر به دین حق روشن‌تر به نظر می‌آید.

افزون بر دیدگاه‌های پیش گفته، تعداد قابل توجهی از مفسران به نقل روایاتی که درباره آیات اظهار وارد شده، تکیه کرده و تجلی اراده الهی را در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه متحقق

۱. عبد الساده، تفسیر جابر الجعفی صاحب الامام الباقر ع، ص ۲۹۷.

دانسته‌اند. با وجود این، می‌توان گفت حتی تفاسیری که با رویکرد روایی فقط به نقل روایات اکتفا کرده‌اند، بر پایه برگشت ضمیر به دین حق، چنین تفسیری ارائه داده‌اند. لازم به توجه است که در صورت برگشت ضمیر به رسول، دو معنا قابل استفاده است: اول اینکه خداوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از ادیان دیگر آگاه ساخت به گونه‌ای که هیچ امری بر ایشان پوشیده نماند؛ معنای دومی که از برخی تفاسیر برداشت می‌شود، رجعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و حکومت ایشان بر تمام دنیا است.

بنا بر برگشت ضمیر به دین حق، دیدگاه اندیشمندان شیعی در زمینه تحقق اراده الهی در آیات اظهار متفاوت بوده و به سه دسته تقسیم می‌شود: برخی مانند شیخ طوسی و مرحوم طبرسی این اراده را در امتداد زمان محقق دانسته‌اند و عصر ظهور را یکی از مصادیق آن به شمار می‌آورند. برخی مانند ابوالفتوح رازی به نقل اقوال اکتفا کرده و به طور مشخص دیدگاهی برگزیده‌اند. و جمعی همسو با مفاد روایات، تحقق اراده الهی را در این آیه متعین به عصر ظهور دانسته‌اند. این قول بیشتر در بین مفسرانی رایج است که به نقل روایات اکتفا کرده‌اند یا تفسیرشان صبغه روایی دارد.^۱ چگونگی غلبه دین اسلام در منابع تفسیری به سه شکل پیروزی از نظر حجت و منطق، غلبه عملی و عینی و غلبه همه‌جانبه (منطقی و عملی)، تفسیر شده است. برخی از مفسران نیز برتری دین اسلام از جهت برهان و منطق را قبل از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه محقق دانسته و براندازی تکوینی مذاهب باطل و نابودی آثار آن‌ها را بعد از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌دانند. برخی از تفاسیر، اظهار دین اسلام را به معنای نسخ سایر ادیان و شرایع به وسیله اسلام در نظر گرفتند که می‌توان گفت این تفسیر از ملزومات معنای اظهار است.

۱. نجارزادگان، بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در دیدگاه فریقین، ص ۴۶.

۱. ابن ابی طلحه هاشمی، *صحیفة علی بن ابی طلحة عن ابن عباس فی تفسیر القرآن*، ابن ابی طلحه هاشمی، مکتب السنه، چاپ اول، قاهره - مصر، ۱۴۱۱ق.
۲. ابن ابی جامع، علی بن حسین، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز* (ابن ابی جامع)، محقق: محمودی، مالک، ۳ جلد، چاپ اول، دار القرآن الکریم، قم، ۱۴۱۳ق.
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مصحح: ناصح، محمد مهدی، آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش های اسلامی، ۲۰ جلد، چاپ اول، مشهد مقدس، ۱۳۷۱ش.
۴. اشکوری، محمد بن علی، *تفسیر شریف لاهیجی*، مصحح: محدث، جلال الدین، دفتر نشر داد، ۴ جلد، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳ش.
۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه البعثة. مرکز الطباعة و النشر، ۵ جلد، چاپ اول، قم، ۱۴۱۵ق.
۶. بلاغی، عبدالحجّه، *حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر*، چاپخانه حکمت، ۸ جلد، چاپ اول، قم، ۱۳۴۴ش.
۷. مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، محقق: عبدالله محمود، شحاته، دار احیاء التراث العربی، ۵ جلد، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۳ق.
۸. جرجانی، حسین بن حسن، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان فی تفسیر القرآن*، (بی نا)، ۱۱ جلد، چاپ اول، (بی جا)، ۱۳۳۷ش.
۹. جزایری، نعمت الله بن عبد الله، *عقود المرجان فی تفسیر القرآن*، نور وحی، ۵ جلد، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸ش.
۱۰. حائری طهرانی، علی، *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*، دار الکتب الإسلامية، ۱۲ جلد، چاپ

اول، تهران، ۱۳۳۷ش.

۱۱. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، **مختصر البصائر**، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱۴۲۱ق.

۱۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، مصحح: رسولی، هاشم، اسماعیلیان، ۵ جلد، چاپ چهارم، قم، ۱۴۱۵ق.

۱۳. خسروانی، علیرضا، **تفسیر خسروی**، **کتابفروشی اسلامیة**، ۸ جلد، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰ق.

۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الالفاظ القرآن**، دارالشامیه، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲ق.

۱۵. زبیدی، ماجد ناصر، **التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت**، دار المحجة البيضاء، ۸ جلد، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۸ق.

۱۶. سبزواری، محمد، **إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن**، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۹.

۱۷. سلطان علی شاه، **سلطان محمد بن حیدر**، بیان السعادة فی مقامات العبادة، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۴ جلد، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۸ق.

۱۸. شاه عبدالعظیمی، حسین، **تفسیر اثنی عشری**، میقات، ۱۴ جلد، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳ش.

۱۹. شبر، عبدالله، **الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین**، شركة مكتبة الالفین، ۶ جلد، چاپ اول، کویت، ۱۴۰۷ق.

۲۰. شبر، عبدالله، **تفسیر القرآن الکریم**، مصحح: داود، حامد حفنی، مؤسسه دار الهجره، چاپ سوم، قم، (بی تا).

۲۱. شیبانی، محمد بن حسن، **نهج البیان عن کشف معانی القرآن**، محقق: درگاهی، حسین، نشر الهادی، ۵ جلد، چاپ اول، قم، ۱۳۷۷ش.

۲۲. صادقی تهرانی، محمد، **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة**، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۲۳. ضحاک بن مزاحم، **تفسیر الضحاک**، دار السلام، ۲ جلد، چاپ اول، قاهره - مصر، ۱۴۱۹ق.
۲۴. طباطبائی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۲۰ جلد، چاپ سوم، بیروت، ۱۳۵۲ش.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، مصحح: یزدی، طباطبائی فضل الله، دار المعرفه، ۱۰ جلد، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، **جوامع الجامع**، حوزه علمیه قم. مرکز مدیریت، ۴ جلد، چاپ اول، قم، ۱۴۱۲ق.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، دار احیاء التراث العربی، ۱۰ جلد، چاپ اول، بیروت، (بی تا).
۲۸. عاملی، ابراهیم، **تفسیر عاملی**، مصحح: غفاری، علی اکبر، کتابفروشی صدوق، ۸ جلد، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۹ش.
۲۹. عبدالساده، رسول کاظم، **تفسیر جابر الجعفی صاحب الإمام الباقر علیه السلام**، الإعتصام، (بی جا)، ۱۴۲۹ق.
۳۰. عراقی، نورالدین بن شفیع، **القرآن والعقل، تفسیر بدیع فی أسلوبه**، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، ۳ جلد، چاپ اول، تهران، (بی تا).
۳۱. عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، مصحح: رسولی، هاشم، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۲ جلد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰ق.
۳۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **تفسیر الصافی**، مصحح: اعلمی، حسین، مکتبه الصدر، ۵ جلد، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۳ش.
۳۳. فیضی، ابوالفیض بن مبارک، **سواطع الألهام فی تفسیر کلام الملك العلام**، ۶ جلد،

چاپ اول، (بی جا)، ۱۴۱۷ ق.

۳۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن، ۱۰ جلد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸ ش.

۳۵. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محقق: درگاهی، حسین، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی. مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴ جلد، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷ ش.

۳۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، مصحح: جزایری، طیب، دارالکتاب، ۲ جلد، چاپ سوم، قم، ۱۴۰۴ ق.

۳۷. کاشانی، حبیب الله بن علی مدد، تفسیر ست سور من القرآن الکریم، شمس الضحی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳ ش.

۳۸. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، تفسیر کبیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، کتابفروشی و چاپخانه محمدحسن علمی، ۱۰ جلد، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۶ ش.

۳۹. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، زبدة التفاسیر، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۷ جلد، چاپ اول، قم، ۱۳۸۱ ش.

۴۰. کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر المعین، محقق: درگاهی، حسین، ۳ جلد، چاپ اول، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم، (بی تا).

۴۱. کرمی، محمد، التفسیر لکتاب الله المنیر، علمیہ (چاپخانه)، قم، ۱۴۰۲ ق.

۴۲. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، وزاره الثقافه و الإرشاد الاسلامی. مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۰ ق.

۴۳. مشکینی اردبیلی، علی، تفسیر روان، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۹۲ ش.

۴۴. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، دار الکتاب الإسلامی، ۷ جلد، چاپ اول، ایران،

۱۴۲۴ق.

۴۵. مغنیه، محمدجواد، **التفسير المبين**، دار الكتاب الإسلامی، چاپ سوم، قم، ۱۴۲۵ق.

۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسير نمونه**، دار الكتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.

۴۷. میر دامادی نجف آبادی، هاشم، **خلاصة البیان فی تفسیر القرآن**، مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۷ جلد، چاپ اول، قم، ۱۳۹۳ش.

۴۸. نجارزادگان، فتح الله، **بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام**

مهدی علیه السلام **در دیدگاه فریقین**، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۹ش.

۴۹. نجفی، محمدجواد، **تفسیر آسان**، کتابفروشی اسلامیة، ۲۰ جلد، چاپ اول، تهران،

۱۳۹۸ق.

۵۰. نقوی قاینی، محمد تقی، **ضیاء الفرقان فی تفسیر القرآن**، قائن، ۱۸ جلد، چاپ اول،

تهران، ۱۳۹۵ش.

۵۱. یوسفی غروی، محمود، **آیات الأنوار فی فضائل النبی وآله الأطهار علیهم السلام**، دار

النشر اسلام، چاپ اول، قم، ۱۳۷۲ش.

مجله مکتب

سال شانزدهم / شماره ۵۹ / بهار و تابستان ۱۴۰۴